

انکار

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پشتو و فارسی نشر میشود

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فیض محمد (انگار)

آدرس دفتر جریده: جاده میوند اپارتمان نمبر (۳)

نمبر تلیفون (۱۲۱۹) آدرس تلگرافی: انگار کابل

تاسیس ۹ حوت ۱۳۲۹

دردت: نظر نثر نثر... انوار و...
و... (۸) ای خلق بعضی...
چهارشنبه ۲۸ حمل ۱۳۳۰

سال اول

شماره پانزدهم

میا علی سید احمد (فراوه)

میا علی نیک محمد (یکتیا نی)

نداء به دشمنان دیموکراسی:

در شماره چهارم تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۳۰ -
((نامه ملی نداء خلق)) ضمنی مطالعه به خیر
تاثر آور و مؤلم با این معنی ((که دشمنان -
دیموکراسی یعنی آنها نیکه در طرز اداره بگیر
و بیند و بکش و بزن منافع شخصی دارند با
ساختن خبرهای دروغ و جعلی و اطلاعات
بی اساس اولیای دولت را مضطرب ساخته
و نشرات که جراید ملی ما را که تازه بمیلان
آمده اند علت تیزی احساس خلق در مرکز
و انمود کنند))

خوب است ما از اقایان دشمنان دیموکراسی
هر کسیکه باشد میپرسیم:

شما که از سالهای متما دی باین طرف ماسک
مصومیت بر سر کرده و باشصیده بازی های -
اسرار آمیز خود اراکین بزرگ دولت را فریب
داده و رول شخصی تان را در زیر پرده خود
ساخته خود بیشتر بر دید - همنوز هم میخواهید
که از رهگذر همان چالهای فرسوده و از مود افتاد
تان استفاده کنید؟! نه خیر - چنین نبوده
اولیای خبیر دولت پوره دانسته و خوب فهمیده
اند و فریب همه اشخاص مضرض را نمیخورند
شما دشمنان دیموکراسی و مخرب بنیان
سمادت مملکت بودید که ملت متحد الشکل و غیر
افغانی را با نامهای مختلف النوع و نژادهای
علیحده از قبیل هزاره - تاجک - ازبک - ترکمن
و غیره یکی را برای قتل و خون ریزی دیگری تحریک
و از موقع استفاده نمودید (بقیه در صفحه ۲۴)

د مشاغل او منصبو مساوات
خدای دی د بیسواد ی بیخ و با سی حکم
له تولو مخخه دی لوی بلا د افغانی و روسته
پاتی تونیس د نیک مرغی سسته و روسته کبری
که پوموتوقی ملتو کی حتی جزوی حرکات او افعال
هم د ملت او حکومت په منخ کی مصین او تا کلی حدود
لری چه اساس او سته تی هغه جامع قانون
چه (اساسی قانون) ورته و این وی اساسی
قانون چه (د تاء سیر انجمن) یا (مجلس
مؤسسان) وضع کوی شاید د محیطی میوز و
له کبله هغه لزدیر په گنډو گنډو ممالکو کوی
تو پسر ولری خوبیا هم د ارستو د (پولیتیک) -
رانسولی د اتوم د عصر تر قوانینو پوری واره
د فرد او جامعین - ملت او حکومت د مصینو
حقوقو دفاع کوی که د افسوس و ورثی نه بولی
نوستاسی خوشینه . خوبه پر عیای کسین چه اساسی
قانون په بی سواده مؤسسانو مهرا و
گوتی و لگیزی او بی له دی چه د قوانینو دقیقه
مطالعه و شی همداکم او کیف تی هم فکر کول ستاسی
کار دی چه هغه ورته و این په دنیا کی اساسی
قوانین د مشاغل او منصبو مساوات دادول
تضمینوی:

د ملت له حقوقو مخخه یو هم د کار او پیسینو
آزادی ده . چه د مشاغل او منصبو مساوات
هم د دی آزادی له حتی نتائجو مخخه عبارت
دی چه مشاغل او منصبونه مخصوص د یوی طبقی
نه وی او د ملت - افزاید حق ولری چه د خپلو
شخصی لیاقتونو او فطری ذکاوتونو (بقیه در صفحه ۲۴)

۱۳۳۰

میا علی محمد حیدر (ژو پل)

گفت گل عبرت ای نحوی فناست
 زآنکه کشتی غرن این گردابهاست
 (مولوی سراج)

عواصم متعدد و برجسته که قرون جدید و عصر
 حاضر را از قرون وسطی شدیداً متمایز ساخته فتح
 قسطنطنیه • اختراع چاپ • کشف امریکاء • ظهور
 یورستانت • اختتام جنگهای صدساله • و بالاخره
 جانشین شدن زبانهای محلی بود در تالیفات
 تراجم و تدریس بصورتی لاتین که این خود در پیشرفت
 علم موثر واقع گشت • زیرا در قرون وسطی که فرا گرفتن
 علوم موقوف به یادداشتن زبان لاتین بود احتیاطاً
 (موتو پبول) علم موجود و آموختن علم به همه
 گس میسر نمیشد اما در آغاز قرون جدید بنا به علل
 قرون علم عام شد: لیوناردو • دووینچیها • کوپرنیک
 گالیله ها • ماکیا و لیها • بیکنها • دیکارتها
 عرض اندام نموده و شالوده عصر تجدد علم و ادب
 (رنسانس) را ریختند • و اینها بودند که اروپا
 و اسیا استانه مدنیست امروزی کشانید • در شرق
 تیز تا چندی قبل آموختن علم وابسته به یاد
 داشتن زبان عربی بود • و اقصا در مالک که علم
 یزبان خودشان تدریس میگردد در نوزدهم منتشر
 شده و توسعه اختیار میکند توده عالم و دانسته
 میشود • اما در مالک که هنوز موفق نیستند علم را
 یزبان خود تدریس کنند (مثل مملکت ما) قراریکه
 تجربه نشان داده زحمتشان دو بالا میشود
 یکی اشکال زبان دیگری اشکال علم • جنبه سوم که
 آنها به نقص مملکت ما تمام میشود پرداختن پیوند
 سرخ و دولاراست • بموض نوت دوئی دو نمره نوی
 و شانزده پولی شاید حوالی بفرمایند که به علت
 قحط الرجال معلمین صحیح داخلی با طرز تدریس
 اساسی از کجاء آریم و چگونه از انحطاط سویه
 همان خارجی جلوگیری کنیم • عرض میکنم تا جائیکه
 یند • درین مطالب وارد همسنتم و اطلاع دارم
 یا ستشنای معلمین لیسان خارجی که باید از اهل
 زبان باشند دیگر میتوان به اندازه کافی معلمین از
 فارغ التحصیلان خارج و فارغ التحصیلان (بقیه در صفحه ۳)

(بقیه نداء بدشمنان ۰۰۰۰۰)

ولی بار مسئولیت را بدوش اولیای امور دولت گذاشتن
 آرزو دارید!
 اقایون دشمنان دیمو کراسی!!
 ازین بیحد با حدی موقیح آن داده نخواهد شد تا
 دوباره این ملت مستمندیده را گمراه ساخته وجهت
 اغراض شخصی خود او را به گودال نیستی سوق داده
 آقایون!! اطمینان قوی و کاملی داشته باشید که
 نیرنگهای دیروزه از زهر مضموی خود را باخته
 اند • امروز عصر صداقت و عصر آتومی و هایذروجنی
 است • کسی گول نمیخورد بی سبب باعث درد سر
 خود و عامل ضیاع وقت قیمت دار اولیای دولت
 نشوید • و بگذارید که این توده پسمانده اندکی
 بحال آید بگذارید که دردهای سوزنده و زخمهای
 ناسور این ملت مداوا و سفینه شکسته حیات
 رقت بار خود را از بیم موجهای خروشده حوادث
 برکنار و نفسی براحت کشد بگذارید که وجودهای
 علیل دلهای انسرده رو حیهای پژمرده و سینه های
 پریش بحال اصلی خود و در پی درمان و چاره
 سازی درد های دیگر خویش شوند •

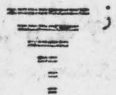
مشترکین محترم بخوانند

ذوات محترمی که خواهش اشتراک نامه ملی انگار
 نموده و شماره های آن مسلسل برای شان میرسد
 و تا حال پول اشتراک را تا دیه ننموده اند لطفاً
 پول اشتراک را بحساب نمبر (۴۰۳) این موسسه
 در بانک ملی تحویل نموده ما را ممنون سازند •

از طرف میرا جان (سیال) عضو دهمند خانگه

و نگارنده لوی پستون

چون موقع فاتحه گیری والده مرحومه ام برایم
 میسر نشد و یقین دارم که ساکنین کابل حتی تمام
 افغانستان یا من کمال غمشریکی درین اندوه دارند
 اگر بمضی ذوات فاتحه نامه را بمن میفرستد
 بوسیله پستتو تولنه بمن میرسد •



م.ع - لیلی

توب وارده :

بنایلی انگار :

که ازلت و کوب علاقه دارها و حکام شکایت میکنند
 ده سخواهی شد اگر بگویم که از اوضاع
 تخت اطلاع نداری و این بان ماند که یکی از
 و ستانم میگفت ما از پیداوار تکا ثف . نفوس
 سد و اربعمه پلان شهر امریکای جنوبی اطلاع
 اریم ولی نمیدانیم که مسقط الراس عزیزمان
 رکجا واقع مساحت آن چند و تمداد نفوس
 ست . تمهید کافیت و اینک اصل مطلب -

روز پنجشنبه ۲۲ حمل یکتیم کارکنان
 ستون مراد نام چهراسی اوراق وزارت مصارف
 بجرم منع ترفتن به دار المساکین زیر مشتم و لگند
 فتون بودند و اهالی هم که از بیکاری هرگز برای
 با اسباب تفریح است دور آنها را گرفته و چون
 پوشختانه به هیچ کدام جرمت مداخله هم نبود
 خط تماشا بین بودند . لذا ما بوسیله شما از کارکنان
 و ستون میپرسیم که علت استنکاف گداها از رفتن
 دار المساکین جزء خرابی اوضاع آنجا
 چیزی دیگری است ؟ و با لفرض هم که وضیت داخلی
 شما خوب باشند آیا مستنکفین را باید بزورد مشتم
 لگند آنجا رهنمونی کرد . و یا راه دیگری هم
 ارد ؟ اگر راه حلی دیگری نیست خواهشمندیم
 ما هم بنام دلسوزی اسباب درد سر این بیچاره گان
 شوید . با احترام

یه محمد حیدر (۰۰۰۰)

کولته ها برای (۴ - ۵) لیسے که خارجی هادر آن
 سر ف تدریس راند تمهید کرده انحطاط سویه لیسان
 خارجی را با از د یاد یکی دو ساعت در هفته میتوان جیبوه
 د . علا و تا "لسان و سیله علم است و نه باید علم فدای
 موختن لیسان گردد . نظریات و اقدامات وزارت مصارف
 ریاست تدریسات عمومی درین باره که سال گذشته بحیث
 سرتاژ در روزنامه نشر شده بود و در بعضی از
 ها تاحدی تطبیق هم شد قابل قدر بوده و نمودی بود
 ارا به آینده روشن امیدوار ساخت زیرا سه مشکل را
 مشکل تنزیل میداد اما نمیدانم چرا دامنه آنرا وسعت
 اده یک تمداد مملین خارجی دیگری که مملین لیسان
 ننی اند به پول گزاف استخدام شده بوزارت x

غلام حسن (صلی)

من به موی مبارک حضرت پیغمبر احترام کامل دارم .
 در شماره سوم نداء خلق تحت عنوان (دعوت مردم
 بخرافات پرستی) سطر چند از من نشر گردید که انصاف
 آملرا در نظر بعضی قارئین دیگری یافتم و محبت
 حضرت رسول صلی الله علیه وسلم و ادا دارم ساخت
 تا ما فی الضمیر خود را واضحتر بگویم اگر موی
 مبارک که در سرخ رود عمارت بنام آن ساخته شد .
 حقیقتاً "از وجود مبارک رحمت اللسالمین پیدا شد
 و به روایت یا اسناد تاریخی ثابت شود من مجیب
 و احترام آن را جزو محبت نبوی میدانم . اگر
 بیک از صحابه کرام و پیشوایان اسلام حقیقتاً
 منسوب باشد آنرا قابل احترام خواهم دانست
 و هر گاه اینطور نباشد البته اعتراض من متوجه
 آنست . و تا حدیکه از علماء کرام شنیده ام حضرت
 خاتم المرسلین به هر چه گرویدن را خوش
 نداشت و آرزوی مبارکشان طور دیگری بود .
 مقاله منتشره من طوریکه شنیدم باعث رنجش
 خاطر جناب وزیر داخله رئیس تنظیمه مشرقی
 نیز گردیده و تصور کردند که من تمام کارهای
 شان را به نظر بد دیده ام و از فضائل او نیز انکار
 دارم . لذا انصاف بر من لازم گردانید که خدمات
 این شخص زحمت کثرت و با آرزو را قابل احترام
 دانسته و بگویم که اعتراض و انتقاد من بر کار
 بودند بر شخص و شخصیت این شخص نزد من محترم
 است .

* جلیله محارف و ریاست تدریسات عمومی احتراماً
 تذکر میدهم که اگر خواهانید اولاد مملکت
 با تلاف اندک وقت مطالب بیشتری فراگیرند
 و چیزی دانند لطفاً "علم را به لسان خود
 شان تدریس کنید والا بلسان چینائی - لاتین
 و گریک .



سباغلی (چکوره)

شماره توده محکم ترین اصل قضاوت است :
(نگارنده)

جواب سباغلی حق پوشش و ریاست
گوللمپیک (ذرقا موس دلخک
به ممسی گول خورک آمده)

ج - ما خدمت و وطن کرده ایم .
(اگر خدمت در روی زمین است چنان است و
چنین است و همین است)
خدمت گذاران تا خلاص نشده بد و نسد
و سرمشق بپزند .

ما زحمت کشیدیم - لندن - تهران - و
دهلی رفتیم عرق ریزی نمودیم .

ج - بمد ازین دعای شبینه من اینست :
ای خدای بزرگ ! جوانان ما را ازین
گونه زحمات نجات بده و آنرا نصیب
من بفرما .

اعتراف میکنیم که آنها زور بودند و ماکمور
ج - خسی - چرا شامل شدید ؟ مگر در سبق های
مکتب نخوانده اید :

هر که با فولاد بازو پنجه کرد
ماعد (قاق چلی) خود را رنجه کرد
مانان خشک و چای تلخ میخوریم .

ج - چکنیم غذای ملی امروزه و وطن همین است
آینده هرگاه یک گلدان و مسکه کلچه نسی
و یا (کلچه مسکه نسی) مقابلتان نگذارند
باید ابدان گورد این هوسهای بچگانسه
نگردد .

ما برای عیش نرفته بودیم .

ج - من هم میگویم که شما برای عیش نرفته بودید -
بلکه عیش پیش شما تشریف آورده بود .

سزما به دارها یا ما چرا جوانی نکرده اند .
ج - اگر آنها این قدر ساده باشند پس ملیونرو
که خواهد شد ؟

میگویند که ما را دشنام میدهید .

ج - بجهت بمن و به خلق و به رادیوی داخل و
خارج افترا ننسندید +

+ چکوره را منقد بازاری میدانیم .

ج - با این منطق طفلانه دقت کنید که درین
میدان نیز ناکام نشوید او کار خود را خواهد
کرد .

ماما یوس و دل سرد میشویم .

ج - نسی نسی ! روی خدا را ببینید ماء یوس -
نشوید که المپیک درخشان ما با خاکستر
برابر خواهد شد - باز جوان افغان و ما
ما در ظرف چهل دقیقه دو ۰۰ و سه گول
شدیم .

ج - در هر دقیقه پسر کس هم یک گول داده -
نمیتوانند - این اشتهای کاذب را از
خود دور نمائید . شخص با صلاحیت و فنی
مارا نصیحت پد رانه نماید .

ج - درین شهر یک هتل - یک کیلو متر سرک
قبر و درین جا یک متخصص سپورت که ازان
بیضم استمداد بجوئید و ما را آزارند هید .
میخواهیم که این راه گنجشک خدا داد
مسدود نشود .

ج - این دیگر مربوط ریاست المپیک است . (نه)
گول - لمپیک) که مسئولیت های مستقیم
خود را درک - تدقیق - اجرا و تفتیش
نماید .

با امید فتح آخرین تان زنده باشید .

د مشا غلو پاتی)

به واسطه نه هفتو تولو مرا تپو ته ور سیزی نو با ید
د مشا غلو او منصینو په ور کولو کی پوهنه او لیاقت
منظور وی - پخوا به په نری کی د ولتی مشاغل او
منصیر نه د اعیانو طبیقی لره منحصر وه او د ملت نورو
طبقوته به په هیخ صورت دارتبی نه ور کول کیدی .

د قوم د رئیسانو شخصی میل او نفسانی هوا و پوست
فطرته اشخاص لورو در جوته پورته کول -
ننچه د تمدن او علم لمر په دنیا کی ورا تکی خپری
گری حسب او نسب او یاد لویو اشخاص سره رگی
او پیوند په نظر کی نه نیول کیزی د پوهی او لیاقت
خا وندان چه له هری طبیقی څخه دی کولای شی
چه په خدمت او پاک نفسی لوری رتبی ته عیان
ور سوی .

اشتراک

لا کابل : (۳۶) افغانن سالانه - ولایات (۴۰) افغانن سا
خارج : (۴) دالر سالانه - قیمت یک شماره (۵۰) پور
مطبوعه : گستنر شخص انگار - کابل -